

شاعر : ناشناس

آهنگساز : ناشناس

فکر کنید تو ذهنتون یه شهریه	که به طور اتفاقی مشهده
همه جای شهرتون سبز و بزرگ	وسطش عقیق زرد گنبده (۲)
وقتی که با دستای من و شما	کوچه ها رنگ صنوبر می گیره
همه جا شهر اقاها میشه	بوی گل ها رو سراسر می گیره
مشهد امید د لبستگیا	مشهد ستاره های پر فروغ
مشهد حقایق زلال و پاک	شهری که خبر نداره از دروغ
آدماش مثل درختای بلند	سایه سار یک بهشت عاشقن
دلاشون مثل یه دشت روشنه	همشون همسایه ی شقایقن
توی این شهر بزرگ و باصفا	هر کسی یه جای کارو می گیره
یکی نقش گل رو بازی می کنه	یکی هم جای بهارو می گیره
حالا گل اگه نباشه چی می شه ؟	واقعاً بهار بی گل کی دیده ؟
باغ سبز و سرو چشمه رو داریم	غیبت صدای بلبل کی دیده ؟ (۲)
بین اونجا یک کبوتر می پره	اون طرف اقاقی فریاد می کنه
پس بهشت بدون تو جهنمه	دست تو بهشت رو آباد می کنه
حالا این مشهد مهربونیا	باغ پر شکوه و سبز و باصفا
این من و این ملکوت آشنا	این حضور پر طروات شما (۲)